

زن در چشم محمد نادره افشاری

از دیگر اسناد مستند و معتبر اسلامی، نهج الفصاحه (۱) است که کتابی است در ردیف نهج البلاغه علی ابن ابیطالب و «مجموعه کلمات قصار، خطبه‌ها و تمثیلات حضرت رسول اکرم» را در برمی‌گیرد. جمع آوری و ترجمه‌ی این کتاب را شادروان ابوالقاسم پاینده به عهده داشته است. پاینده (۱۲۷۸ - ۱۳۶۳) متولد نجف‌آباد اصفهان است. مقدمات عربی و علوم مذهبی و فلسفه را در اصفهان فراگرفت و در همین دوران با زبان فرانسه نیز آشنا شد. پاینده در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به تهران آمد و در سازمان‌های مختلف از جمله فرهنگستان ایران به کار پرداخت. چندی هم نماینده‌ی مجلس شورای ملی و مدتی هم رئیس اداره‌ی رادیو و تبلیغات بود. در سال ۱۳۲۱ نام‌هی هفتگی صبا را بنیاد گذاشت که تا سال ۱۳۳۰ انتشار می‌یافت. پاینده در سال ۱۳۴۴ به نمایندگی ایران در کنفرانس اسلامی مکه شرکت کرد. ترجمه‌ی قرآن مجید، زندگانی محمد، نهج الفصاحه، تاریخ سیاسی اسلام، تاریخ عرب، تمدن اسلام، التنبیه و الاشراف، مروج الذهب، علی ابر مرد تاریخ، تاریخ طبری و... از جمله کارها و ترجمه‌های اوست. برای این بخش از کتاب، از ترجمه‌ی نهج الفصاحه‌ی این مترجم و نویسنده‌ی پرکار اسلامی استفاده کرده‌ام. ویژگی این کتاب در این است که تمام گفته‌های محمد را در دو زبان عربی و فارسی در برابر هم چاپ کرده است، و آنانی که کمی هم به زبان عربی آشنا باشند، می‌توانند درستی ترجمه‌ها را خود به چشم ببینند. (۲)

نهج الفصاحه شامل ۳۲۲۷ جمله‌ی کوتاه یا تقریباً کوتاه است که پاینده از آن‌ها به عنوان کلمات قصار نام برده است. در ادامه‌ی کتاب، بخشی به خطبه‌های محمد و بخشی هم به تمثیلات او اختصاص داده شده است. در مجموع ۳۲۲۷ کلمه‌ی قصار ۱۵۷ بار از زبان صحبت شده است که عموماً بر روی این محورها تنظیم شده است: اسارت زنان در خانه‌ی مردان، مکر و شیطنت عموم زنان، لزوم پرهیز از زنان بد و خوب، و جوب اطاعت زنان از مردان؛ حتی اگر این مردان ستمگر باشند، و در نهایت سجده در مقابل مردان، اگر خدایی نمی‌بود، یا این‌گونه که هست نمی‌بود.

زنان اساساً از اهالی دوزخ هستند و بیشترین ساکنان جهنم را تشکیل می‌دهند. به اعتقاد پیامبر اگر جهانی بدون زنان ساخته می‌شد، مردان آسان‌تر می‌توانستند به بهشت بروند. این نمونه‌ها، استنتاج من از کلام خود محمد است. اکنون می‌پردازم به بررسی کوتاهی در این کتاب و نگاهی به دیدگاه محمد در مورد جماعت زنان! (۳)

اولین نقل قول‌ها در رابطه با «نقش طبیعی» زنان در خانه‌ی «مردان» است و این‌که زنان در این خانه‌ها اسیر و زندانی هستند و بر مردان است که کمی هم به این اسرا «توجه» کنند: «در باره‌ی زنان از خدا بترسید که آن‌ها پیش شما اسیرند.» (ش ۴۵، ص ۱۶۳)

پرهیز از زنان در دیدگاه محمد جایگاه ویژه‌ای دارد: «از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید؛ زیرا شیطان، نگران و در کمین است و هیچ‌یک از دام‌های وی [شیطان] برای پرهیزگاران مانند زنان مورد اطمینان نیست» (ش ۵۰، ص ۱۶۴)

محکم‌ترین سلاح شیطان هم زنان هستند. (ش ۹۷۰، ص ۳۵۰) به همین دلیل و هزارها دلیل دیگر مبنی بر مکر زنان، ای مردان مسلمان، بر شما واجب است که: «از بی‌لباسی برای نگه‌داری زنان [در خانه] کمک جویند؛ زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد، مایل به بیرون رفتن است.» (ش ۲۸۲، ص ۲۰۹) با زنان هم اساساً نباید گفت‌وگو کرد؛ چرا که هرگاه مردی با زنی خلوت کند، حتماً قصد او می‌کند. (ش ۱۰۰۴، ص ۳۵۶)

تاکیدهای دیگری هم بر عریان نگه داشتن زنان شده است. «اعرو والنساء یلز من الحجال. زنان را بی‌لباس بگذارید تا در خانه‌ها بمانند.» (ش ۳۴۳، ص ۲۲۰)

هر زنی که بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه بیرون برود، مورد خشم خداست تا به خانه برگردد، یا شوهرش را راضی کند. (ش ۱۰۲۰، ص ۳۵۹) در همین رابطه، محمد، زانی را که از خانه‌های خود، دامن کثان برای شکایت از شوهرهاشان بیرون می‌روند، دشمن می‌دارد. (ش ۹۶۰، ص ۳۴۸)

فتنه‌ی اساسی برای مردان مسلمان این است که زنانشان زینت و آرایش کنند، عطر بزنند، و با لباس‌هایی فاخر، پا به معابر عمومی بگذارند! «فتنه‌ی سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه [ای] سخت‌تر بر شما بیم دارم که از طرف زنان می‌آید؛ هنگامی که انگوی طلا به دست و پارچه‌های فاخر به بر [می]کنند...» (ش ۳۱۴، ص ۲۱۵)

«از هیچ فتنه‌ای که خطرناک‌تر از زن و شراب باشد، بر امت خویش بیم ندارم.» (ش ۲۶۱۱، ص ۶۹۴)

زنانی که آرایش می‌کنند، عطر می‌زنند و به معابر عمومی پای می‌گذارند، حکم زناکاران را دارند.

«اگر زنی خود را معطر کند و بر مرد می‌گذرد که بوی او را دریابد، زناکار است.» (ش ۱۷۷، ص ۱۸۸) و (ش ۱۰۱۹، ص ۳۵۹) زنی هم که برای کسانی جز شوهرش، بوی خوش بکار می‌برد، مایه‌ی آتش و ننگ و عار است. (ش ۱۸۸، ص ۱۹۰)

«هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوشبو شود و بر انجمنی بگذرد، زناکار است.» (ش ۲۱۵۷، ص ۶۱۱)

«بهترین عطر مردان آنست که بوی عیان و رنگش نهان باشد. و بهترین عطر زنان آن است که رنگش عیان و بویش پنهان باشد.» (ش ۱۵۱۶، ص ۴۷۱)

قیمت گذاری روی زنان هم بر اساس زیبایی بیشتر، خرج کمتر، مهریه‌ی سبک‌تر و اطاعت بیشتر انجام گرفته است: «بهترین زنان، آن است که رویش خوب‌تر و مهرش کمتر است.» (ش ۳۵۶، ص ۲۲۲)

«از همه‌ی زنان پر برکت‌تر آنست که خرجش کمتر باشد.» (ش ۳۵۷، صص ۲۲۲ تا ۲۲۳)

«نشان میمنت زن این است که خواستگارش آسان و مهرش سبک باشد.» (ش ۹۲۹، ص ۳۴۲)

بهترین زنان هم زنی است که با تن و مال خود از شوهرش فرمان می‌برد و برخلاف رضایت او کاری نمی‌کند. (ش ۱۵۰۴، ص ۴۶۹)

باز هم «بهترین زنان شما زن عقیف راغب است که در ناموس خود عفت، و به شوهر خود رغبت داشته باشد.» (ش ۱۵۳۴، ص ۴۷۵) عفت هم زینت زنان است. (ش ۲۰۰۸، ص ۵۷۹)

در رابطه با لزوم تحمل مردان، در هر شرایطی آمده است که اگر مردی هیچ خیری به زنش نرساند، مهم نیست، ولی اگر زنی در رابطه با

بی‌خبري شوهرش اعتراضی بکند، تمام اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود. (ش ۲۲۶ ص ۱۹۸)

وقتی امرای مسلمانان، اشرار باشند و کار مسلمانان به دست زنان بیفتد، شکم زمین [قبر] برای مسلمانان بهتر از پشت زمین است. (ش ۲۳۲ صص ۱۹۸ تا ۱۹۹) به بیان امروزی‌تر: اگر کار مسلمانان به دست زنان بیفتد، بهتر است که مردان بمیرند و نسلشان از روی زمین کنده شود، تا به این ننگ تن دردهند و کارهاشان را به زنان بسپارند.

«پس از من برای مردان، فتنه‌ای زیان‌انگیزتر از زنان نخواهد بود.» (ش ۲۵۷۲، ص ۶۷۸)

«گروهی که زمام کار خویش [را] به زنی سپارند، هرگز رستگار نشوند.» (ش ۲۲۹۴، ص ۶۳۹)

«گروهی که زمامدارشان زن است، رستگاری نیینند.» (ش ۲۵۵۱، ص ۶۸۳)

هیچ زنی اجازه ندارد جز در خانه‌ی شوهر و اربابش، شبی را به روز آورد، چرا که فرشتگان در تمام مدتی که زن بیرون از خانه به سر می‌برد، به لعن و نفرین زن مشغولند:

«وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح [با تا وقتی که زن به خانه برگردد] او را لعنت کنند.» (ش ۱۸۷، ص ۱۹۰)

نماز و روزه‌ی زنی که از شوهرش اطاعت نمی‌کند، از سر و گردنش بالاتر نمی‌رود. نمونه‌ای از این تهدیدات پیامبر به این صورت تئوریزه شده است: «دو کسند که نمازشان از سرهاشان بالاتر نمی‌رود، بنده‌ای [برده‌ای] که از آقایان [اربابان] خود گریخته باشد، و زنی که شوهر خود را نافرمانی کرده باشد.» (ش ۵۴، ص ۱۶۵)

«سه کسند که نمازشان از گوش‌هاشان بالاتر نمی‌رود: بنده‌ی فراری تا بازگردد، و زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او خشمگین باشد و...» (ش ۱۲۲۲، صص ۴۰۲ تا ۴۰۳)

«سه کسند که از آن‌ها سخن مگویی... کنیز یا بنده‌ای که از آقای خود گریخته و در حال گریز مرده باشد. و زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و او در غیبت شوهرش آرایش کند. از آن‌ها سخن مگویی!» (ش ۱۲۲۴، ص ۴۰۳) و (ش ۱۲۳۳، ص ۴۰۵) یکی از مایه‌های خوشبختی مرد، زن پارسایی است که دیدارش مرد را مسرور می‌کند و چون مرد غیبت کند، او را بر حفظ عفت خویش امین بداند و... یکی از مایه‌های بدبختی مردان این است که زنان زبانی دراز داشته باشند و بر حفظ عفتشان امین نباشند، و زنانی که مرد را به رنج دراندازند. (ش ۱۲۴۲، ص ۴۰۸)

سه نفر هم هستند که دعاهایشان مستجاب نمی‌شود: یکی از این سه تن، مردی است که زنی بد اخلاق دارد و طلاقش نمی‌دهد... (ش ۱۲۵۳ ص ۴۱۳) سه چیز از نعمت‌های اساسی دنیا است: زن پارسا و... (ش ۱۲۸۹ ص ۴۲۵)

محمد در نهایت معتقد است که: زنان، دام شیطانند. (ش ۱۷۹۲ ص ۵۳۴)

دشمن‌ترین دشمن مردان، همسران ایشانند: «خطرناک‌ترین دشمن تو همسر توست که با تو هم‌خواه است و مملوک تو» (ش ۳۳۹، ص ۲۲۰)

بیشترین اهالی جهنم هم زنانند: «در جهنم نگرستم و دیدم که بیشتر مردمان آن زنانند.» (ش ۳۳۱، ص ۲۱۹)

«ان اقل ساکنی الجنة النساء. کمترین ساکنان بهشت زنانند.» (ش ۶۰۳)

ص ۲۷۴) همان تعداد اندکی از زنان هم که به بهشت می‌روند، زنانی هستند که بر اساس فرامین اسلامی، شوهرانشان را کاملاً از خود خشنود می‌کنند، بعد جان می‌سپارند! (ش ۱۰۲۲، ص ۳۵۹)

«بدترین زنان شما آرایش‌کنان و متکبرانند و آنان منافقاند و از آن‌ها جز به اندازه‌ی کلاغی که خط سفید برگردن دارد، به بهشت نمی‌روند.» (ش ۱۵۳۵، ص ۴۷۵)

«اگر زن نبود، مرد به بهشت می‌رفت.» (ش ۲۳۵۸، ص ۶۵۳)

«اگر زنان نبودند، خدا چنان که شایسته‌ی پرستش اوست، پرستیده می‌شد.» (ش ۲۳۶۱، ص ۶۵۳)

«النساء حباله الشیطان، زنان، دام‌های شیطانند.» (ش ۳۱۵۳، ص ۷۸۹)

«وای بر زنان از دو چیز، طلا و جامه‌ی زیبا!» (ش ۳۱۹۰، ص ۷۹۶)

زنانی که بدون دلیل موجهی طلاق می‌خواهند، بوی بهشت بر ایشان حرام است. (ش ۱۰۲۱، ص ۳۵۹) لازم به تأکید است که خشونت، کتک زدن، هوو آوردن، خرجی ندادن و... دلایل موجهی برای طلاق نیستند!

«زنان باردار فرزندان دار و شیرده، که با فرزندان خود مهر باندند؛ اگر رفتاری که با شوهران خود می‌کردند [نبود] نمازگزارانشان به بهشت می‌رفتند.» (ش ۱۳۴۰، ص ۴۳۷)

مردان بر زنان حقوقی دارند و زنان در برابر مردان تکالیفی: «حق شوهر بر زن آن است که بدون اجازه‌ی او، جز روزه‌ی واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است [و از او] نپذیرند. و بدون اجازه‌ی او [مرد] چیزی از مال او را به کسان ندهد. اگر داد ثوابش از شوهر و گناه [آن] از زن است. و از خانه‌ی او [مرد] بی‌اجازه بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب، او را لعنت کنند، تا توبه کند یا بازگردد؛ اگر چه شوهرش ستمگر باشد!» (ش ۱۳۸۸، صص ۴۴۵ تا ۴۴۶)

«حق شوهر بر زن آنست که از بستر او [مرد] دوری نگیرد و... فرمائش را اطاعت کند و بی‌اجازه‌ی او بیرون نرود و کسی را که [مرد] دوست ندارد، به خانه‌ی او [مرد] نیاورد.» (ش ۱۳۸۹، ص ۴۴۶)

«اگر زن، حق شوهر [را] بداند، هنگام ناهار و شام او ننشیند تا فراغ یابد.» (ش ۲۳۱۸، ص ۶۴۴) خانم‌های مسلمانی که با همسرانشان سر یک میز یا سر یک سفره می‌نشینند، یا با ایشان در رستورانی غذا می‌خورند، به این فرمان پیامبر توجه داشته باشند!

«خدا ملاحظه‌گر را لعنت کند؛ یعنی زنی که شوهرش به بسترش خواند و گوید: "کم‌ی بعد" تا خوابش ببرد.» (ش ۲۲۳۷، ص ۶۲۸)

در رابطه با اجبار به زندگی با یک مرد، حتی اگر ستمگر باشد، چند بار تأکید شده است که خداوند زنانی را که چند بار شوهر می‌کنند، و به همان اولی - اگر چه خیري هم نداشته باشد - بسنده نمی‌کنند، دوست نمی‌دارد. (ش ۷۱۴ ص ۲۹۹) و (ش ۱۱۴۶، ص ۳۸۳) زنانی که بدون حضور شاهد شوهر می‌کنند، زناکارند. (ش ۱۱۱۲، ص ۳۷۶) متأسفانه در این بحث، تکلیف مردانی که بی‌حضور شاهد زن می‌گیرند، مشخص نشده است!!

گاه نوعی تبعیض نژادی در کلمات محمد به چشم می‌خورد. مثلاً: «برای نطفه‌های خود جای مناسبی انتخاب کنید و از سیاهان بپرهیزید [چرا] که سیاهی رنگ زشتی است.» (ش ۱۱۳۳، ص ۳۸۱) «زن آزاد مایه‌ی اصلاح خانه است و زن بنده [کنیز] موجب فساد خانه است.» (ش

در رابطه با پتانسیل گمراه شدن مردان توسط زنان، نمونه‌ی تاریخی [۱] جالبی در رابطه با یهودیان نقل شده است: «از زنان بیهیزید، زیرا نخستین گمراهی یهودان در خصوص زنان بود.» (ش ۵۳۸، ص ۲۶۲)

نشانه‌های خوشبختی مردان هم چهار چیز است که مهم‌ترینش داشتن زن یا زنانی است که به ناموس و مال مردان خیانت نمی‌کنند. (ش ۲۵۹ ص ۲۰۴) دو ردیف بالاتر از این کلمه‌ی قصار، بر چهار نشانه‌ی خوشبختی تاکید شده است: خوشبخت‌ترین مردان، مردی است که زنی پارسا [زوجه‌ی صالحه] داشته باشد. (ش ۲۵۷، ص ۲۰۴) از زنان بد باید به خدا پناه برد و از زنان خوب هم باید پرهیز کرد. (ش ۲۷۹، ص ۲۰۹) زنان هم اغلب به صورت شیطان می‌آیند و به صورت شیطان می‌روند. (ش ۸۲۱، ص ۳۲۰) زنان از دنده‌ای خلق شده‌اند که به هیچ‌وجه راستی‌پذیر نیست. (ش ۸۲۳، ص ۳۲۱) هیچ مردی نمی‌تواند کجی زنان را که ناشی از خلقت ایشان است، راست کند. (ش ۸۲۵، ص ۳۲۱) فرمان بردن زنان از مردان هم، بهترین گنجینه برای مردان است:

«می‌خواهی تو را از بهترین گنجینه‌ی مرد خبر دهم؟ زنی پارسا که وقتی بدو نگرند مسرور شود، و همین‌که بدو فرمان دهد، اطاعت کند و هنگام غیبت [مرد] امانت او را [عفتش] محفوظ دارد.» (ش ۴۶۰، ص ۲۴۱)

بجز خوشبختی‌هایی بالا، مردان باید از سه بلا به خدا پناه ببرند که یکی از این بلاها همسر بد است که: «اگر پیش وی باشی، بد زبانی کند، و اگر پیش وی نباشی، به تو خیانت کند.» (ش ۱۱۶۳، ص ۳۸۷)

در مورد ثواب‌هایی که برای زنان در نظر گرفته شده، خشنودی مردان از ایشان و شیر دادن به کودکان و در خانه به عبادت مشغول شدن است.

ای زنان «آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آسستن است و شوهرش از او خشنود است، ثواب کسی را دارد که روزی روزی گیرد و شب برای عبادت خدای بپا خیزد و هنگامی که بار می‌گذارد، هر جرعه‌ای که از شیر او درآید و هر دفعه که پستان او مکیده شود، برای هر جرعه شیر و هر مکیده شدن پستان ثوابی دارد و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند، پاداش او چنانست که هفتاد بنده را در راه خدا آزاد کرده باشد!» (ش ۵۳۴ ص ۲۶۰)

از دیگر ثواب‌هایی که خدا برای زنان در نظر گرفته است، و آن را با رنج شرکت در جهاد برابر دانسته، صبر بر رنج هواداری است:

«خداوند رنج هوو داری را نصیب زنان و جنگ را قسمت مردان قرار داد. هر زنی که از روی ایمان و در انتظار پاداش خدا، بر رنج هوو داری صبر کند، ثواب شهید را دارد.» (ش ۷۱۰، ص ۲۹۸) یکی دیگر از ثواب‌هایی که برای زنان مومنه نوشته می‌شود، زنی است که شوهرش بمیرد و «و ی گوید [که] من با وجود یتیمان خود شوهر نمی‌کنم.» (ش ۱۲۲۰، ص ۴۰۲)

زنان هم دو پرده دارند: قبر و زناشویی. (ش ۲۲۷۰، ص ۶۳۴)

جهاد زنان، شوهرداری خوب است. (ش ۱۴۰۳، ص ۴۴۹)

«بهترین مسجد زنان، کنج خانه‌ی آنهاست.» (ش ۱۵۳۲، ص ۴۷۴)

«نمازی که زن، در تاریک‌ترین گوشه‌ی خانه‌ی خود کند، از همه‌ی نمازهای او نزد خدا محبوب‌تر است.» (ش ۲۵۸۸، ص ۶۹۰)

«اینکه زن در اتاق خویش نماز کند برای او بهتر است تا در ایوان خویش نماز کند، و این‌که در ایوان خویش نماز کند، بهتر است تا در صحن خانه نماز کند، و این‌که در صحن خانه نماز کند، برای وی بهتر است تا در مسجد نماز کند!» (ش ۲۲۰۷، ص ۶۲۲)

«نماز زنان، تنها، بیست و پنج بار از نماز جماعت بهتر است.» (ش ۱۸۴۸، صص ۵۴۵ تا ۵۴۶) احتمالاً زنان اسلامی‌ای که در نمازهای جمعه و جماعت شرکت می‌کنند، از این ثواب عظیم ۲۵ برابر اطلاعی ندارند؛ وگرنه در خانه‌هاشان می‌مانند و «تنها» نماز می‌گزارند!

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کنند، به زن دستور می‌دادم شوهرش را سجده کند.» (ش ۲۳۴۸، صص ۶۵۰ تا ۶۵۱)

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند، به زنان دستور می‌دادم شوهران خویش را سجده کنند، از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است.» (ش ۲۳۴۹، ص ۶۵۱) (بدون شرح)

مشاغلی که محمد برای زنان در نظر گرفته است، کارهایی است که ایشان را هرچه بیشتر در خانه‌ها زندانی می‌کند: «بهترین سرگرمی زن، دستگاه نخ‌ریسی است.» (ش ۱۵۲۷، ص ۴۳۷) فرزندانان را [پسرانان] را شنا و تیراندازی بیاموزید و زنان را نخ‌رشتن!« (ش ۱۹۵۴،

ص ۵۶۷) چرخ ریسی هم برای زن مومن در خانه‌اش سرگرمی خوبی است. (ش ۱۹۵۵، ص ۵۶۸)

«[ای زنان] هر یک از شما با اشتغال در خانه‌ی خویش، اگر خدا بخواهد، ثواب مجاهدان [را] خواهد [خواهید] یافت.» (ش ۲۸۹۲، ص ۷۴۶) در جمع‌بندی نهایی: «حکایت زن پارسا در میان زنان، چون کلاغ نشاندار است که یک پای آن سفید باشد.» (ش ۲۷۳۱، ص ۷۱۹) من متأسفانه از این جمله چیز زیادی دستگیرم نشد. احتمالاً حضرت به تک نمود بودن زن پارسا - حتا در میان زنان مسلمان - نظر داشته است!

در نهایت تمامی این تبعیض‌ها حضرت محمد باز هم معتقد است که: «من اگر کسی را برتری دادم، زن را برتری دادم!» (ش ۱۷۲۸، ص ۵۲۰)

پانویس‌ها

۱ - نهج‌الفصاحه، مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت رسول‌الله اکرم (ص) انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده

۲ - برای این زندگی‌نامه کوتاه از شرح داخل جلد کتاب مروج‌الذهب و معادن الجواهر ابوالحسن علی بن حسین مسعودی استفاده شده است.

۳ - اعداد سمت راست داخل پرانتز، شماره‌ی جمله‌ی قصار و عدد سمت چپ، صفحه‌ی کتاب است

پانویس‌ها

۱ - بر فراز خلیج، خاطرات محسن نجات حسینی، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق (۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴) چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹،

- ۲- تاریخ اجتماعی ایران، جلد دوم، مرتضی راوندی، چاپ دوم، سال ۱۳۵۴، صص ۵۱۸ تا ۵۱۹
- ۳- تاثیر علم بر اجتماع، برتراند راسل، برگردان دکتر محمود حیدریان، ص ۱۹، نقل از تاریخ اجتماعی ایران، جلد دوم، مرتضی راوندی، صص ۵۲۴ تا ۵۲۵
- ۴- امت و امامت، دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار ۲۶، چاپ دهم، سال ۱۳۷۹، نشر آمون، صص ۳۵۸ تا ۳۵۹
- ۵- همانجا، ص ۳۶۲
- ۶- همانجا، زیر نویس ص ۳۵۹
- ۷- اسلام در ایران، ای. ب. پطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، چاپ یکم خارج، انتشارات نیما آلمان، سال ۱۹۹۸، ص ۸۲
- ۸- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد دوم، چاپ دوم، سال ۱۳۵۴، انتشارات سپهر، تهران، صص ۵۳ و ۵۴
- ۹- مقدمه‌ای بر اسلام‌شناسی، جلد اول، چاپ دوازدهم، علی میرفطروس، نشر نیما، سال ۱۹۹۹، آلمان، ص ۴۴
- ۱۰- برای ترجمه‌ی این آیه‌ها از قرآن کوچک الهی قمشاهی [انتشارات کتابخانه‌ی سنایی] استفاده شده و از تفسیرهای درون پرنتر مترجم چشم پوشی شده است.
- ۱۱- دو قرن سکوت و مبارزه، دکتر عبدالحسین زرین کوب، مطلبی برای «مهرگان» چهارشنبه ۱۰ آبان‌ماه ۱۳۲۹، نقل از مهرگان، سال هشتم، شماره‌ی ۲ و ۳، تابستان و پائیز ۱۳۷۸
- ۱۲- تاملی در ریشه‌های خشونت، فرهاد بهبهانی، مهرگان، سال هشتم، شماره‌ی ۲ و ۳، سال ۱۳۷۸
- ۱۳- تحلیلی حقوقی از رای دادگاه نظامی در پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای، دکتر عبدالکریم لاهیجی، یکشنبه، ۹ بهمن ۱۳۷۹، نقل از بولتن اینترنتی ایران امروز.
- ۱۴- شیعی‌گری و ترقی‌خواهی، مهدی قاسمی، چاپ پازن، امریکا، سال ۱۹۹۹، ص ۹۶
- ۱۵- همانجا، صص ۹۶ تا ۹۷
- ۱۶- تاریخ و فرهنگ، مجتبی مینوی، چاپ سوم، ۱۳۶۹ تهران، انتشارات خوارزمی، صص ۳۶ تا ۳۷
- ۱۷- ترجمه‌ی آیات قرآن از کتاب «قرآن کریم» ترجمه الهی قمشاهی از انتشارات کتابخانه‌ی سنایی، به نقل از کتاب «رگ تاگ» دلارام مشهوری، جلد اول، چاپ دوم، خاوران، پاریس، پائیز ۱۳۷۸، صص ۵۷ تا ۵۸
- ۱۸- جوامع‌الجامع ۲/۴۹، به نقل از نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام، ص ۱۵۷
- ۱۹- اسلام در ایران، یاد شده، ص ۱۰۵
- ۲۰- چند نکته در باره‌ی کشتار جمعی تابستان ۶۷، باقر مومنی، به نقل از سایت اینترنتی اخبار روز، ۱۰ دسامبر ۲۰۰۱
- ۲۱- همانجا
- ۲۲- مروج‌الذهب و معادن الجوهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸، جلد اول، ص ۶۹۳
- ۲۳- تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۲، جلد چهارم، ص ۱۲۷۶
- ۲۴- تاریخ طبری، جلد چهارم، صص ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۵
- ۲۵- سیره‌ی ابن هشام، ترجمه و انشای رفیع‌الدین بن محمد همدانی، قاضی ابرقو، با مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی، چاپ سوم ۱۳۷۷، لیتوگرافی، چاپ و صحافی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نصف دوم، صص ۵۷۰ تا ۵۷۱
- ۲۶- تولدی دیگر، شجاع‌الدین شفاء ص ۵۱۸
- ۲۷- سیره‌ی ابن هشام، نصف دوم، صص ۵۶۳ تا ۵۶۴
- ۲۸- تولدی دیگر، یاد شده، ص ۵۱۶
- ۲۹- سیره‌ی ابن هشام، نصف دوم، ص ۵۸۳
- ۳۰- نهج‌الفصاحه، مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت رسول‌الله اکرم (ص) انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، شماره‌ی ۵۷۶، ص ۲۶۹
- ۳۱- همانجا، شماره‌ی ۱۷۸۷، ص ۵۳۳
- ۳۲- نخستین ترورهای فردی و سیاسی و کشتارهای جمعی در جامعه‌ی مدنی اسلامی، باقر مومنی، نقل از فصل‌نامه‌ی کاوه، چاپ آلمان، شماره‌ی ۹۴، تابستان ۱۳۸۰
- ۳۳- علی شریعتی، فاطمه فاطمه است، مجموعه آثار ۲۱، ص ۱۹۱
- ۳۴- رساله‌ی توضیح‌المسائل، سید روح‌الله خمینی، انتشارات بارش مشهد، چاپ سوم، سال ۱۳۷۹، تهران، ص ۳۲
- ۳۵- تاریخ طبری، جلد چهارم، ص ۱۳۶۹
- ۳۶- همانجا صص ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰
- ۳۷- فارسنامه، ابن بلخی، ص ۱۳۵
- ۳۸- نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ بیستم، ۱۳۸۰، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال بهمن ۱۳۶۹، بخشی از خطبه‌ی ۱۴۷، ص ۱۴۲
- ۳۹- همانجا، نامه‌ی شماره‌ی ۴ ص ۲۷۳
- ۴۰- همانجا، خطبه‌ی شماره‌ی ۱۰۷، ص ۱۰۰
- ۴۱- اسلام در ایران، پطروشفسکی، ص ۸۹
- ۴۲- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد دوم، ص ۱۵۳
- ۴۳- خاطرات احتشام السلطنه، ص ۶۵۳، نقل از مقدمه‌ی سه مکتوب میرزا آقا خان کرمانی، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه، نشر نیما، اکتبر ۲۰۰۱، ص ۹۳

- ۴۴ - سیمای محمد، علی شریعتی، صص ۵۹ تا ۶۱، به نقل از کتاب «پژوهشی در زندگی علی» آله دالفک، فوریه ۱۹۹۴، بن مایه‌ها، صص ۱۱۴ تا ۱۱۵
- ۴۵ - درخشش‌های تیره، آرامش دوستدار، چاپ دوم، نشر خاوران، سال ۱۳۷۷، صص ۹۶
- ۴۶ - چند گفتار در فرهنگ ایران، شاهرخ مسکوب، نام انتشارات ناخوانا، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۱، تهران، صص ۹۴
- ۴۷ - همانجا، زیر نویس صص ۹۴، نقل از «بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل، شعبه تهران، تهران، سال ۲۵۳۵ (۱۳۵۵) مهدی محقق، صص ۳ و ۴
- ۴۸ - همانجا، زیر نویس صص ۹۵
- ۴۹ - نقش و عاظ در اسلام، دکتر علی الوردی، ترجمه محمدعلی خلیلی، صص ۲۲، به نقل از تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۵۴، کتابخانه سپهر، تهران، صص ۶۶
- ۵۰ - تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهرکلام، جلد ۴، صص ۳۴
- ۵۱ - نهج‌الفصاحه، مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت رسول‌الله اکرم (ص) انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، شماره‌ی ۱۱۳۳، صص ۳۸۱
- ۵۲ - همانجا، شماره‌ی ۱۴۰۴، صص ۴۴۹
- ۵۳ - سه مکتوب میرزا آقاخان کرمانی، ویرایش بهرام چوبینه، نشر نیما، اسن آلمان، صص ۳۰۷
- ۵۴ - بهائی‌گری، شیعی‌گری، صوفی‌گری، احمد کسروی، چاپ خارج از کشور، ژانویه ۱۹۹۶، انتشارات مهر، آلمان، صص ۱۱۷
- ۵۵ - سیمای کلی دوران ظهور، نویسنده علی کورانی، مترجم عباس جلالی، مهرگان، سال هشتم، شماره‌ی ۲ و ۳، تابستان و پائیز ۱۳۷۸
- ۵۶ - گفت‌وگوی بین‌المللی فرهنگ‌ها... شجاع‌الدین شفا، کیهان چاپ لندن، شماره‌ی ۸۰۰، ۱۱ فروردین ۱۳۷۹
- ۵۷ - سیره‌ی ابن هشام، نصف دوم، صص ۶۵۰
- ۵۸ - امت و امامت، علی شریعتی، یاد شده، صص ۴۰۲
- ۵۹ - ۲۳ سال رسالت، علی دشتی، ویرایش بهرام چوبینه، مهرماه ۱۳۷۳، صص ۱۱۸
- ۶۰ - به نقل از کیهان چاپ لندن، شماره ۸۶۳، ۲۸ ژوئن ۲۰۰۱
- ۶۱ - به نقل از کیهان چاپ لندن، شماره ۸۶۶، ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۱
- ۶۲ - ۲۳ سال رسالت، علی دشتی، یاد شده، صص ۱۵۱
- ۶۳ - تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد پنجم، چاپ دوم، چاپخانه‌ی کتیبه، ۱۳۶۴، صص ۲۲
- ۶۴ - تاریخ ادبیات ایران، ادوارد، جی، براون، از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه‌ی دکتر بهرام مقادری، چاپ اول، گلشن، انتشارات مروارید، سال ۱۳۶۹، صص ۱۸ تا ۲۰
- ۶۵ - گفت‌وگوها، علی میرفطروس، چاپ اول ۱۹۹۸، نشر نیما آلمان، صص ۴۸ تا ۴۹
- ۶۶ - سیره‌ی ابن هشام، نصف دوم، صص ۶۴۳ تا ۶۴۴
- ۶۷ - نقل از نشریه‌ی اینترنتی ایران امروز، ۳۱ اوت ۲۰۰۱
- ۶۸ - دو قرن سکوت و مبارزه، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، مجله‌ی مهرگان، یاد شده
- ۶۹ - قبض و بسط‌تئوریک شریعت، عبدالکریم سروش، چاپ دوم، سال ۱۳۷۱، چاپ معراج، تهران، صص بیست و هفت
- ۷۰ - میرزا آقاخان کرمانی، سه مکتوب، نسخه‌ی خطی، عکس از کتابخانه‌ی دانشگاه، نقل از کارنامه و زمانه، میرزا رضا کرمانی، دکتر هما ناطق، چاپ اول، آلمان، انتشارات حافظ، ۱۳۶۳، صص ۱۸
- ۷۱ - دیدگاه‌ها، علی میرفطروس، چاپ دوم، سال ۱۹۹۷، آلمان، نشر نیما، صص ۴۸ تا ۴۹
- ۷۲ - برخی بررسی‌ها درباره‌ی جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران، احسان طبری، صص ۴۰۴، به نقل از «رگ تاگ» دلارام مشهوری، صص ۶۴
- ۷۳ - انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، مجموعه‌ی گفت‌وگوهای باقر معین با شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایران در باره‌ی تاریخ معاصر ایران از مشروطه به این سو، چاپ طرح نو، تهران، زمستان ۱۳۷۲، بخشی از گفت‌وگو با شادوران محمدعلی جمال‌زاده، صص ۹
- ۷۴ - امت و امامت، علی شریعتی، یاد شده، صص ۳۶۲
- ۷۵ - قبض و بسط‌تئوریک شریعت، یاد شده، صص ۱۵
- ۷۶ - همانجا، صص ۱۴
- ۷۷ - اسلام ایرانی و حاکمیت سیاسی، باقر مومنی، چاپ اول، ناشر بزرگترین مرکز پخش کتاب، فرانکفورت، صص ۲۲۱ تا ۲۲۲
- ۷۸ - سیره ابن هشام، نصف دوم، صص ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۳
- ۷۹ - محمد پیامبری که از نو باید شناخت، کنستان ویرژیل گئورگیو، ذبیح‌الله منصور، صص ۴۱۸
- ۸۰ - تاریخ طبری، محمد جریر طبری، جلد چهارم، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، صص ۱۲۷۷ تا ۱۲۷۸
- ۸۱ - نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ بیستم، ۱۳۸۰، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال بهمن ۱۳۶۹، صص ۵۷ تا ۵۸
- ۸۲ - نهج‌البلاغه، صص ۳۰۷
- ۸۳ - نهج‌البلاغه، صص ۴۰۱
- ۸۴ - مروج‌الذهب و معادن الجوهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه‌ی ابولقاسم پاینده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸، جلد اول، صص ۶۵۱
- ۸۵ - تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد دوم، صص ۳۶، چاپ دوم، سال ۱۳۵۴، انتشارات سپهر، تهران
- ۸۶ - اسلام در ایران، پطروشفسکی، ترجمه‌ی کریم کشاورز، چاپ یکم خارج از کشور، نشر نیما آلمان، صص ۲۶

- ۸۷ - حاکمیت در قرآن، باقر مومنی، آرش شماره‌ی ۷۲، مهر و آبان ۱۳۷۸، ص ۴۵
- ۸۸ - سیره ابن هشام، نصف دوم، ص ۱۱۰۶
- ۸۹ - تفسیر قرآن، آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دست‌غیب، سرای دیگر، صص ۱۰۴ و ۱۰۵
- ۹۰ - نقد و بررسی کتاب «زن در دولت خیال - افشاری (تبدیل تجربه به شعور اجتماعی)» علی سجادی، ماهنامه‌ی پر، چاپ امریکا، شماره‌ی ۱۸۵، خردادماه ۱۳۸۰
- ۹۱ - نشریه‌ی فمینیستی آوای زن، شماره‌ی ۴۱/۴۰، بهار ۱۳۸۰
- ۹۲ - همانجا
- ۹۳ - مقدمه‌ای بر اسلام‌شناسی، جلد دوم، علی میرفطروس، چاپ سوم، نشر نیما آلمان، صص ۹۴ تا ۹۵
- ۹۴ - جلال و آل‌احمد، بهروز خرم، چاپ اول، سال ۱۳۸۰، نشر فروغ، آلمان، ص ۴۹
- ۹۵ - بر فراز خلیج، خاطرات محسن نجات حسینی، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق (۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴) چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۷
- ۹۶ - مدرس، قهرمان آزادی، حسین مکی، صص ۶۷۳، ۶۷۴ و ۷۰۷، به نقل از اسلام ایرانی، باقر مومنی، چاپ اول، ص ۱۹۹
- ۹۷ - تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد سوم، ص ۶۱۸
- ۹۸ - تاریخ سیاسی اسلام، دکتر حسن ابراهیم حسن، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم، سال ۱۳۷۶، سازمان انتشارات جاویدان، جلد اول، ص ۳۵
- ۹۹ - تاریخ اجتماعی ایران، جلد سوم، مرتضی راوندی، چاپ دوم، سال ۲۵۳۶ شاهنشاهی، چاپخانه‌ی سپهر تهران، ص ۶۱۷
- ۱۰۰ - همانجا، ص ۶۲۲
- ۱۰۱ - همانجا
- ۱۰۲ - قبض و بسط تنوریک شریعت، یاد شده، ص ۱۵
- ۱۰۳ - تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، جلد یک ص ۴۹ و جلد پنج ص ۳
- ۱۰۴ - سیره‌ی ابن هشام، نصف دوم، ص ۶۵۶
- ۱۰۵ - جامعه‌ی آشفته و جانی مشهدی، شهرنوش پارسی‌پور، نقل از نشریه‌ی «شهروند» چاپ کانادا، ۲۸ اوت ۲۰۰۱
- ۱۰۶ - اسلام در ایران، ای. پ. پطروشفسکی، ترجمه‌ی کریم کشاورز، چاپ یکم خارج، انتشارات نیما آلمان، سال ۱۹۹۸، ص ۹۳
- ۱۰۷ - مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸، جلد اول، ص ۶۴۳
- ۱۰۸ - تاریخ سیاسی اسلام، دکتر حسن ابراهیم حسن، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم، ۱۳۷۶، سازمان انتشارات جاویدان، جلد اول، ص ۳۶
- ۱۰۹ - نهج‌البلاغه، نامه‌ی شماره‌ی ۲۴ ص ۲۸۵
- ۱۱۰ - نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد، و اسناد صدر اسلام، تحقیق و گردآوری دکتر محمد حمیدالله، ترجمه‌ی دکتر سید محمد حسینی، کتاب سال ۱۳۷۵، انتشارات سروش، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۷، سند شماره‌ی ۳۷۴، «نامه‌ی علی بن ابیطالب (ع) در باره‌ی خریدن کنیزی که دارای شوهر بود» سنن سعید بن مسعود، بخش دوم، ش ۱۹۵۰، ص ۶۱۹
- ۱۱۱ - تاریخ طبری، جلد اول، ص ۱۷۵
- ۱۱۲ - تاریخ طبری، جلد اول، صص ۶۸ تا ۶۹
- ۱۱۳ - نهج‌الفصاحه، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان
- ۱۱۴ - برای این زندگی‌نامه کوتاه از شرح داخل جلد کتاب مروج‌الذهب و معادن الجواهر ابوالحسن علی بن حسین مسعودی استفاده شده است.
- ۱۱۵ - اعداد سمت راست داخل پرانتز، شماره‌ی جمله‌ی قصار و عدد سمت چپ، صفحه‌ی کتاب است